



اشاره:

کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در دوران بازگشت به نظام اقتصاد بازار برای ورود به اقتصاد جهانی، به همکاری اقتصادی با دنیای خارج از شوروی سابق بیش از پیش روی آورده‌اند. این در حالی است که نه تنها کشورهای آسیایی بلکه کشورهای اروپایی و آمریکا نیز در این دوران به اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز توجه خاص داشتند و کسب منافع بلندمدت از طریق سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی و همکاری صنعتی، کشاورزی و... در اولویت راهبردهای اقتصادی‌شان قرار دارند.

در حالی که کشورهای منطقه به ویژه ایران، ترکیه، پاکستان و کشورهای بزرگ آسیایی مانند چین و هند و نیز عربستان سعودی در خلیج فارس تمایل شگرفی به گسترش مناسبات اقتصادی با آسیای مرکزی و قفقاز داشته و دارند، شرکت‌های اروپایی و آمریکایی در این عرصه پیش افتاده‌اند.

در این گزارش به بررسی وضعیت تجاری و سرمایه‌گذاری کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با دنیای خارج از بلوک کمونیست می‌پردازیم.

# شرکای تجاری بزرگ آسیای مرکزی و قفقاز چه کشورهایی هستند؟

## روابط اقتصادی و تجاری آسیای مرکزی و قفقاز با دنیای خارج

از آنجا که اقتصاد باز پیش شرط ورود به اقتصاد نوین جهانی است، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز اصلاحات اقتصادی نشأت گرفته از نظام بازار را در روابط اقتصادی خارجی خود مدنظر قرار داده‌اند.

کشورهای آسیای مرکزی شامل قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و نیز کشورهای منطقه قفقاز شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در سال‌های اخیر برای بهره‌گیری از نظام اقتصاد بازار به اصلاحات اقتصادی روی آورده و تجارت خارجی خود را تا حدود زیادی گسترش دادند.

ارزش صادرات قزاقستان از حدود ۱/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ به ۵/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت، در حالی که واردات آن نیز طی همین دوره از کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار به ۳/۹ میلیارد دلار ترقی کرد.

در ترکمنستان نیز ارزش صادرات از ۹۰۸/۴ میلیون دلار به ۱/۹ میلیارد دلار در همین دوره زمانی افزایش داشت، حال آنکه واردات آن از ۲۹/۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۲ به ۷۷۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ ترقی کرد.

در دیگر کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، رشد تجارت خارجی به چشم می‌خورد. کشورهای مورد بحث در باز کردن اقتصاد خود برای ورود به نظام اقتصاد بین‌المللی، سه محور را بیشتر مدنظر داشته‌اند، اول آنکه به سمت یک ائتلاف اقتصادی آسیای مرکزی گام بردارند که این اتحاد اقتصادی نسبتاً خودکفایی با کمی دگرگونی در تجارت خارجی را می‌تواند به دنبال داشته باشد. توازن کامل این اتحاد در بخش‌های کشاورزی و انرژی می‌تواند به نفع کشورهای منطقه و مثبت باشد. در زمینه استخراج و ذوب فلزات و مهندسی سبک قزاقستان و ازبکستان می‌توانند به این اتحاد کمک بسزایی کنند.

اما به‌طور کلی اتحاد اقتصادی آسیای مرکزی بیشتر بر پایه‌های غیراقتصادی می‌تواند بنا شود، زیرا قزاقستان با توجه به امکانات داخلی و سطح توسعه اقتصادی، رهبری این اتحاد را در دست می‌گیرد. البته ازبکستان نیز از اقتصاد نسبتاً

قوی برخوردار است، اما جمعیت زیاد و منابع طبیعی کمتر، آن را در موقعیت ضعیف‌تری نسبت به قزاقستان برای رهبری اتحاد اقتصادی قرار می‌دهد.

به‌طور کلی اهداف سیاسی می‌تواند منابع اقتصادی را از کشورهای غنی‌تر آسیای مرکزی به کشورهای ضعیف‌تر آن ناحیه منتقل کند. البته مواردی نیز از منافع متقابل اقتصادی حاصل از همکاری کشورهای منطقه وجود دارد. مانند تبادل انرژی الکتریکی میان ازبکستان، تاجیکستان و...

### ○ اتحاد آسیای مرکزی بیشتر بر پایه‌های غیراقتصادی می‌تواند بنا شود، زیرا قزاقستان با توجه به امکانات و میزان توسعه اقتصادی، رهبری این اتحاد را در دست می‌گیرد.

با این وجود، پیش شرط آشکاری برای اتحاد اقتصادی آسیای مرکزی وجود ندارد، زیرا که اولاً هیچ کالای صادراتی مشترک میان آنها نمی‌باشد. ثانیاً اتحاد اقتصادی این کشورها، خودکفایی اقتصادی آنها را تضمین نمی‌کند و حتی توان صادراتی یکپارچه آنها را نیز تقویت نمی‌نماید و ثالثاً نیاز به اتحاد بازار داخلی به شکلی که برای اتحادیه اروپا در بدو تأسیس وجود داشت، در میان کشورهای آسیای مرکزی به چشم نمی‌خورد. از این رو ایده اتحاد اقتصادی آسیای مرکزی چندان قابل توجه و ثمربخش به نظر نمی‌رسد.

محور دیگر مدنظر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در گشایش اقتصادشان به روی جهانیان، همکاری با شرکای برگزیده به‌ویژه از میان کشورهای همسایه می‌باشد. در بدو تأسیس این جمهوری‌ها، روسیه، ایران، ترکیه، پاکستان، هند، چین و حتی عربستان سعودی نسبت به همکاری اقتصادی با آسیای مرکزی و قفقاز ابراز تمایل کردند، اگرچه کشورهای ثروتمند و بانفوذ نیز در فهرست موردنظر می‌باشند. آنها توان اقتصادی زیادی برای رونق بخشیدن به اقتصاد آسیای مرکزی و قفقاز داشته‌اند، لیکن از این منطقه دور می‌باشند مانند اروپای غربی، آمریکا و... در واقع این کشورها در محور سوم مدنظر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز قرار می‌گیرند.

آمریکا و ژاپن، همگی از شرکای اقتصادی مهم آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشند.

به عقیده کارشناسان، ترکیه و پاکستان به لحاظ کمبود منابع طبیعی، چین، هند و روسیه برای بهره‌گیری از بازار و کشورهای توسعه‌یافته برای گسترش فضای رقابت در عرصه بین‌المللی و کسب منافع اقتصادی بلندمدت در منطقه، انگیزه‌های قوی برای حضور در اقتصاد آسیای مرکزی و قفقاز داشته‌اند.

برخی کارشناسان اعتقاد دارند که برای ایران در آسیای مرکزی هیچ منبعی وجود ندارد که از نظر اقتصادی دارای ارزش حیاتی باشد. اگرچه نقش منابع آسیای مرکزی در اقتصاد عربستان و کشورهای توسعه‌یافته نیز ناچیز است.

آنها می‌افزایند، سیاست کشورهای توسعه‌یافته در آسیای مرکزی بخشی از راهبرد بین‌المللی آنها و بیشتر مبتنی بر سیاست خارجی آنهاست، نه نیازهای اقتصادی‌شان.

اگرچه تمامی این کشورها تمایلشان به گسترش مناسبات اقتصادی با آسیای مرکزی و قفقاز را اعلام کرده و این کشورها نیز به‌طور متقابل ابراز تمایل نمودند، اما در چند سال گذشته روند تجارت و سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی و قفقاز نشان می‌دهد که سهم شرکت‌های اروپایی و آمریکایی بیش از دیگران بوده است.

**○ کشورهای توسعه‌یافته برای گسترش فضای رقابت و کسب منافع اقتصادی بلندمدت، انگیزه‌های قوی برای حضور در اقتصاد آسیای مرکزی و قفقاز دارند و سیاست آنها در قبال آسیای مرکزی بخشی از راهبرد بین‌المللی‌شان و مبتنی بر اصول سیاست خارجی آنها می‌باشد.**

روابط اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز با کشورهای همسایه و نیز کشورهای توسعه‌یافته به سرعت ترقی کرده است. با این وجود اظهارات رسمی مقام‌های این کشورها و حرکت واقعی دولت‌های آسیای مرکزی در همکاری با کشورهای فوق در سال‌های اخیر، تغییرات زیادی را نشان

**○ کشورهای آسیای مرکزی در بازکردن اقتصادشان به روی نظام اقتصاد بین‌المللی، سه محور عمده را مدنظر دارند. اول حرکت در جهت اتحاد اقتصادی آسیای مرکزی، دوم گسترش روابط با کشورهای آسیایی به‌ویژه همسایگان و سوم گسترش روابط با کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکایی.**

اگر مجموعه کشورهای آسیای مرکزی شامل قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان و علاقه‌مندان به همکاری اقتصادی با آنها در محور دوم (کشورهای همسایه) مانند روسیه، ایران، ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی، چین و هند را در نظر بگیریم، مشاهده می‌شود که این گروه با حدود ۴۶ درصد جمعیت جهان، کمتر از ۱۰ درصد تولید ناخالص جهان را در اختیار دارند. از آنجا که این منطقه از مناطق پرجمعیت جهان می‌باشد، لذا شاخص‌های سرانه اندک می‌باشد. این موضوع در بحث همکاری منطقه‌ای، عامل مثبتی به نظر نمی‌رسد. حتی چین که در سال‌های اخیر از رشد سریع اقتصادی برخوردار بوده است، از نظر شاخص‌های سرانه با توجه به جمعیت ۱/۲ میلیارد نفری‌اش، وضع خوبی ندارد. با توجه به آنکه آسیای مرکزی با حدود یک درصد جمعیت جهان حدود ۵/۰ درصد تولید ناخالص جهان را به عهده دارد، وضعیت آن نسبت به منطقه قاره‌ای (منطقه‌ای که ذکر شد) از نظر شاخص‌های سرانه بهتر است.

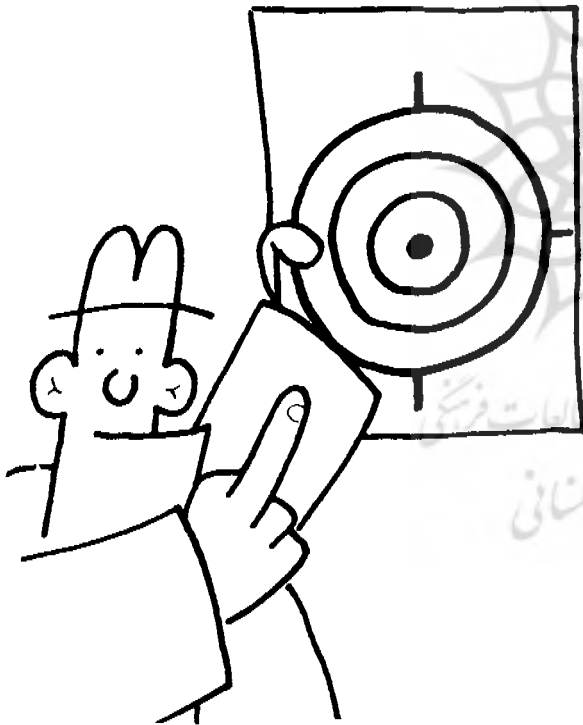
کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در اتخاذ راهبرد تجاری - اقتصادی خود برای ورود به نظام اقتصاد بین‌المللی کشورهای همسایه را مدنظر قرار دادند و تا حدودی به گسترش مناسبات اقتصادی با این کشورها روی آورده‌اند، لیکن کشورهای قدرتمند و بانفوذ را به عنوان شرکای تجاری و سرمایه‌گذاری مهم مدنظر داشتند.

ذکر این نکته ضروری است که به‌طور طبیعی روسیه و جامعه مشترک‌المنافع کشورهای مستقل، چین و هند، کشورهای بزرگ اسلامی مانند ایران، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان و نیز کشورهای توسعه‌یافته اروپای غربی،

توسعه‌یافته برایشان اهمیت دارد. اگرچه از نظر استقلال سیاسی و اقتصادی، همکاری با کشورهای آسیایی می‌تواند ارجح باشد.

عملکرد سال‌های اخیر نشان می‌دهد که برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مانند قزاقستان، همواره به رشد مناسبات تجاری و سرمایه‌گذاری با کشورهای توسعه‌یافته گرایش داشته است. سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی مانند شورون که ۲۰ میلیارد دلار در بخش نفت و مواد معدنی قزاقستان سرمایه‌گذاری می‌کند و نیز شرکت‌های نفتی اروپایی مانند اچ‌پی، بریتیش گاز، بریتیش پترولیوم، استات اویل، توتال و... در منابع نفت و گاز قزاقستان این مسأله را به اثبات می‌رساند.

بسیاری از پروژه‌های اقتصادی قزاقستان با همکاری شرکت‌های چندملیتی به اجرا درآمده است. از نظر شمار



قراردادهای اقتصادی مشترک با کشورهای خارجی، آمریکا مقام سوم را دارد، اما از نظر ارزش سرمایه‌گذاری در قزاقستان رتبه اول را دارا می‌باشد. به دیگر سخن، آمریکا در پروژه‌های بزرگ، سرمایه‌گذاری کلانی در اقتصاد قزاقستان انجام داده است. البته قزاق‌ها نیز ترجیح می‌دهند که با شرکت‌های خارج از منطقه کشورهای مشترک‌المنافع همکاری کنند.

می‌دهد. لذا برخی کارشناسان معتقدند که روند گزینشی شرکای تجاری همچنان ادامه دارد و در این راستا مباحث جغرافیایی و فرهنگی در کنار همکاری با قدرت‌های بزرگ، جایگاهی خاص دارند.

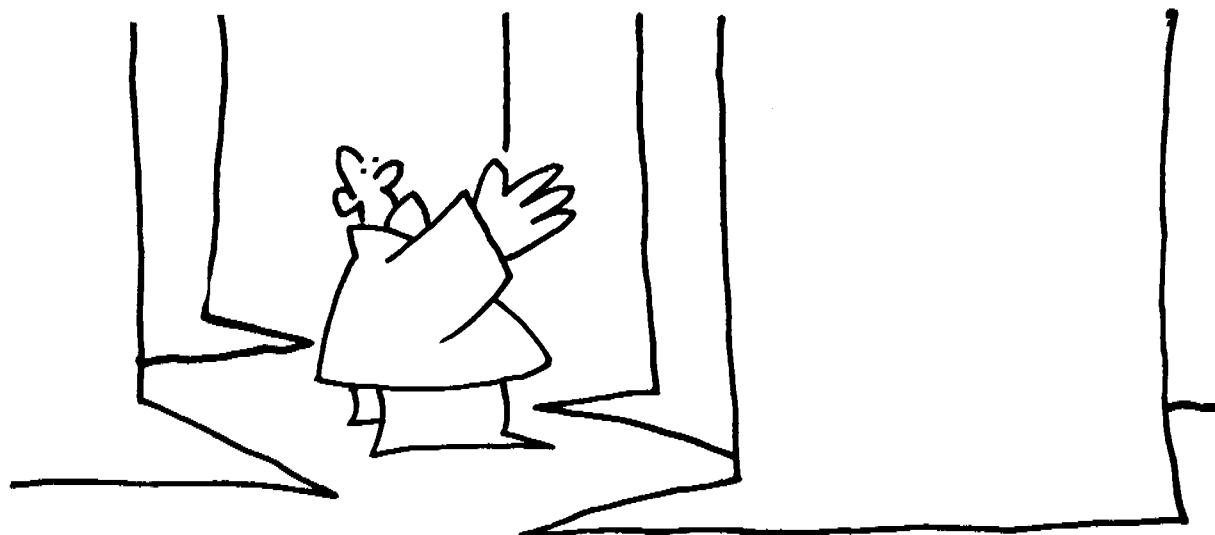
## ○ کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در اتخاذ راهبرد تجاری - اقتصادی خود برای ورود به نظام اقتصاد بین‌المللی، کشورهای همسایه و نیز کشورهای قدرتمند و بانفوذ را مدنظر دارند.

کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند که ادعاهای شرکای بالقوه در زمینه همکاری با آسیای مرکزی در زمینه‌های اقتصادی را توان مالی، سرمایه‌گذاری و تجاری آنها تعیین می‌کند.

انها براین باور هستند که مسأله همجواری و گاهی مشابهت در کالاهای صادراتی (نفت، گاز طبیعی، پنبه، مواد معدنی و...) ممکن است رقابت میان کشورهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای قاره آسیا را در شرایط خاصی قرار دهد، اما چشم‌انداز همکاری همچنان قوی به نظر می‌رسد.

کارشناسان معتقدند که آسیای مرکزی، رقیب ضعیفی در بازار جهانی نیست، زیرا برخی از این کشورها مانند قزاقستان از نظر تولید مواد انرژی و فلزات، ازبکستان در تولید گاز و طلا، ترکمنستان در تولید گاز طبیعی و قرقیزستان و تاجیکستان در تولید اورانیوم، موقعیت بسیار خوبی دارند. با این وصف، این کشورها با همکاری با سایر کشورهای آسیایی که ذکرشان رفت، می‌توانند به کارتل‌های بزرگی در بازار جهانی تبدیل شوند و همکاری‌بخشی میان آنها می‌تواند مثمر باشد.

از آنجا که شرکای اقتصادی بالقوه، راهبردهای مختلفی را دنبال می‌کنند و تصمیمات سیاسی در اکثر مواقع در گزینش شرکای اقتصادی نقش مؤثری دارند، کشورهای آسیای مرکزی در گزینش شرکای اقتصادی‌شان، ملاحظات خاصی را دنبال می‌کنند. آنها به جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای بهره‌گیری از منابع طبیعی و رونق بخشیدن به اوضاع اقتصادی، نیاز دارند و لذا همکاری با کشورهای ثروتمند و



در صنایع سبک، شرکت‌های اروپایی، آمریکایی، ژاپنی و کردهای در پروژه‌های بزرگ در بخش‌های انرژی، مواد معدنی، مهندسی و... سرمایه‌گذاری انبوه داشته‌اند و روسیه به لحاظ همکاری فنی دیرینه‌ای که با آسیای مرکزی دارد، هنوز روابط تجاری و سرمایه‌گذاری وسیعی با این کشورها دارد. بنابراین به نظر می‌رسد آسیای مرکزی و قفقاز در نهایت به این جمع‌بندی رسیده است که در امور اقتصادی (تجارت و سرمایه‌گذاری) می‌بایست به سوی شرکایی برود که از امکانات مالی و فنی کافی برخوردارند و قادر هستند نقش بسزایی در فرآیند توسعه اقتصادی منطقه ایفا کنند. کارشناسان اعتقاد دارند که بازار آسیای مرکزی و قفقاز، بازار روبه توسعه است و لذا سرمایه‌گذاران و تجار علاقه‌مند می‌باشند که در این بازار سهمی پیدا کنند. هر چند که قدرت خرید منطقه در حال حاضر چندان قابل توجه نیست، اما با سرمایه‌گذاری‌های کلانی که در اقتصاد این کشورها صورت گرفته است، امکان رشد تقاضای داخلی نیز وجود دارد و لذا داشتن سهم مناسب در این بازار از نظر تأمین مواد اولیه و فروش محصولات ساخته شده، حایز اهمیت است.

### ○ ادعای شرکای بالقوه در زمینه همکاری با آسیای مرکزی و قفقاز را بنیة مالی، سرمایه‌گذاری و تجاری آنها تعیین می‌کند.

بر اساس آمارهای منتشر شده تا پایان سال ۱۹۹۳، حدود ۹۰ مورد سرمایه‌گذاری مشترک در ازبکستان صورت گرفت که به‌طور عمده در بخش تولید و تجارت بود. مهم‌ترین پروژه استخراج معادن طلای ازبکستان با سرمایه‌گذاری شرکت لورهو بریتانیا و گروه مالی بین‌المللی وابسته به بانک جهانی به اجرا درآمده است. از سوی دیگر شرکت‌های ترک برای دستیابی به مواد خام ارزان برای صنایع نساجی ترکیه، با ازبکستان که چهارمین تولیدکننده معتبر پنبه در جهان است، همکاری دارند. از سوی دیگر فرانسه در ساخت پالایشگاه بخارا و نیز شرکت‌های مرسدس بنز آلمان و سامسونگ و دوو کره جنوبی پروژه‌های بزرگی را در ازبکستان تأمین مالی کرده‌اند.

در ترکمنستان نیز شرکت‌های ایتالیایی سرمایه‌گذاری وسیعی در تولید مواد مصرفی و خوراکی انجام داده‌اند. کمک‌های فنی کشاورزی به ترکمنستان از سوی کنسرسیومی از شرکت‌های اروپایی صورت گرفته است.

شرکت‌های چینی نیز در بازار قرقیزستان فعال شده‌اند. ارزیابی نهایی نشان می‌دهد که شرکت‌های ترک، چینی و هندی